محبوبه قربانی
پرونده
خرید شب عید و نیکوکاری

روایت بازار شب عید از زبان فروشنده و خریدار

بفروشید، بخرید، ولی مردم‌آزاری نکنید

رضا دهشیری | جوان

خریدهای شب عید جزئی جدی از فرهنگ سال نو قلمداد شده است و در روزهای منتهی به آخر سال تب‌وتاب خودش را دارد. گردانندگان اصلی این صحنه‌ها، کاسبان و مشتریانی هستند که می‌طلبد برای انجام یک خرید منصفانه برگه‌های این صحنه را با رعایت اخلاق ورق بزنند تا با دست‌فرمان غلط راه را طی نکنند. از همه مهم‌تر اینکه کاسبانی که عمده درآمدشان در روزهای پایان سال است، مبادا درست و غلط کاسبی در روزهای وسوسه‌انگیز نوروزی آنها را در کسب روزی بی‌انصاف کند و روزی‌شان با حلال فاصله بگیرد. این روزها شاید متفاوت‌تر از روزهای دیگر سال باشد، اما بخشی از عمر ماست که می‌گذرد، پس مراقب باشیم حق‌الناسی گریبانگیرمان نشود، فرقی هم نمی‌کند چه در جای مشتری باشیم و چه در جای فروشنده و کاسب. در این گزارش با تعدادی از فروشنده‌ها و خریداران بازار شب عید همکلام شدیم تا خوشی و ناخوشی‌های خرید را از زبان خودشان بشنویم.

■■■

پای صحبت کاسب‌ها و فروشندگان شب عید

■ **جعفر ۴۰ساله:** این درست است که کاسبان سودشان در فروش عیدانه است اما طی سال‌ها کاسبی، یک بار هم زبانم به دروغ نرفته است. نه از جنسی به دروغ تعریف کرده و نه قیمت نادرستی به مشتری داده‌ام. شاید سود کمی برده باشم اما ضرری در کارم نبوده است.

■ **سیاوش ۴۵ساله:** حقیقتاً سروکله‌زدن با مردان راحت‌تر است، اما امان از زنان؛ ۲۰ پیراهن باز می‌کنند، آخر هم یکی را نمی‌خرند و می‌روند. در این همه سال کاسبی علت این کارشان را نفهمیده‌ام. گلایه هم می‌کنی، می‌گویند کاسب باید حوصله داشته باشد. نمی‌دانم چرا فرق حوصله با از دست دادن وقت آن هم در ایامی را که معطل گذاشتن یک مشتری ضرر دارد، نمی‌دانند. ما قصد اذیت‌کردن مشتری را نداریم ولی مشتری هم نباید ما را اذیت کند. مردم‌آزاری برای همه خوب نیست.

■ **رسول ۳۸ساله:** سال‌هاست مردانه فروش هستم. در ایام خاصی مثل روز پدر و عید نوروز کاسبی داغ است و اگر این روزها تدبیر نشود، بقیه سال را باید از جیب خرج کنیم. فقط از مشتری‌ها انتظار داریم در این روزها چانه نزنند. شاید حق داشته باشند، اما کمی فکر ما کاسب‌ها را هم بکنند. نه عیدی داریم نه پاداش، با کاسبی باید جای خالی‌شان را پر کنیم. باور کنید ما هم مثل شما گوشت و مرغ می‌خریم و باید مثل شما عیدی بدهیم.

جعفر ۴۰ساله: این درست است که کاسبان سودشان در فروش عیدانه است اما طی سال‌ها کاسبی، یک بار هم زبانم به دروغ نرفته است. نه از جنسی به دروغ تعریف کرده و نه قیمت نادرستی به مشتری داده‌ام. شاید سود کمی برده باشم اما ضرری در کارم نبوده است

■ **امیر ۳۲ساله:** خوش به حال مشتری‌ها. سر وقت خرید می‌کنند، سروقت کارهای منزل را انجام می‌دهند و لحظه تحویل سال آراسته و شایسته کنار خانواده سال را تحویل می‌کنند. باور کنید در پنج سال گذشته یا لحظه سال تحویل فرصت آرایشگاه‌رفتن داشته‌ام یا یکی‌دو روز بعد از آن. آرزوی یک خرید شب عید با همسر و فرزندانم را دارم، البته خدا را شکر همسر خوبی دارم و گلایه نمی‌کند.

■ **علی ۴۳ساله:** هر صبح که از خانه خارج می‌شوم، می‌گویم خدایا رضایم به رضای تو، خودت روزی ما را مقدر فرما. در این چند سال کاسبی هیچ وقت ماهی یخ‌زده را جای ماهی تازه نفروخته‌ام و ماهی‌مانده و بوگرفته را دست مردم نداده‌ام. تعداد مشتری‌های مغازه را می‌دانم و طبق خرید آنها جنس می‌آورم تا مجبور نشوم زبان به دروغ باز کنم و حلال نفروشم.

■ **حسین ۲۸ساله:** کارمند هستم ولی ماه اسفند خانواده‌ام سمنو پخت می‌کنند و من هر سال مشتری‌های خودم را دارم. سود آن بد نیست. هیچ وقت سمنوهای مانده نفروخته‌ام. آدم می‌شناسم که معلوم نیست چه جوری با جوانه گندم دو روزه و کلی آرد سمنو می‌پزد و با سود زیاد که یک‌سوم قیمت آن مواد نبرده، می‌فروشد.

■ **رحیم ۱۶ساله:** هر سال ماه اسفند که می‌شود، بعد از مدرسه اینجا می‌آیم و ماهی قرمز می‌فروشم. درآمدش بد نیست. کمک‌خرج خانواده‌ام هستم، اما بعضی مشتری‌ها خیلی اذیت می‌کنند. شاید باورتان نشود یک بار یک مشتری که همراه پسر خرسالش بود، ۲۰عدد ماهی انتخاب کرد و من هم با توری آنها را بالا آوردم اما منصرف شدند و دوباره آنها را در آب آکواریوم رها کردم. آخر هم خرید نکرد و رفت. همین باعث شد ماهی‌ها مریض شوند و زود از بین بروند.

■ **ترانه ۲۵ساله:** فروشنده لباس بچگانه هستم. برای فروش محصولاتی که خاص کودکان است باید حوصله بیشتری داشته باشی. این کار شیرینی‌های خودش را دارد اما صبر زیاد می‌خواهد. یادم می‌آید روزی زن و شوهری همراه پسر بچه چهارساله‌شان وارد مغازه شدند. پسربچه شکلات دستش بود و مادرش یک بلوز سفید را برداشت تا تن فرزندش کند. گفتیم شکلات را از دست بچه بگیرید، بعد لباس را پرو کنید. زوج جوان ناراحت شدند و از مغازه بیرون رفتند. واقعاً جای تعجب داشت، اگر لباس کثیف می‌شد و آنها لباس را نمی‌پسندیدند، تکلیف چه بود؟!

پای صحبت مشتری‌ها و خریداران شب عید

زن سالخورده‌ای که همراه دخترش برای خرید کفش به بازار آمده بود، در حالی که به سختی راه می‌رفت، گفت: کفش از جمله خریدهایی است که باید خودم باشم. آخه پاهایم به خاطر آرتروز شرایط خوبی ندارد و باید کفش نرم و راحت بپوشم. چند کفش‌فروشی رفتم و از همه فروشنده‌ها راضی بودم. خدایی خیلی حوصله داشتند و با احترام برخورد می‌کردند. بالاخره از مغازه چهارم خرید کردم. بنده خدا پنج‌شش جفت کفش آورد تا یکی را که راحت‌تر بود، انتخاب کردم. به او گفتم پسرم جایزه‌ات اینه که دیگر چانه نمی‌زنم. آخر هم ۵۰هزار تومان عیدی دادم و از مغازه بیرون آمدم.

دیگری مرد میانسالی بود که با همسر و سه فرزندش ویترین کفش‌فروشی را نگاه می‌کردند. از اوضاع بازار پرسیدم که گفت: قیمت‌ها با واریزی عیدی و حقوق جور درنمی‌آید. خدارا شکر همسر آینده‌نگری دارم. او از ماه‌ها قبل پس‌اندازی داشت که اول برای بچه‌ها خرید کردیم و حالا خودم می‌خواهم یک کفش بخرم. از مغازه‌دارها گلایه دارم. شاید باورتان نشود، یک مدل کفش در همین راستای خیابان سه قیمت مختلف دارد. وقتی اعتراض می‌کنیم، می‌گویند این جنسش فرق می‌کند! کمی فکر جیب مردم باشند. قرار نیست جیب همدیگر را بزنیم.

گیتی ۳۷ساله از خلاقیت یک مغازه فروش پوشاک بچگانه تعریف کرد و گفت: یک دختر سه‌ساله دارم. روزی او را برای خرید بیرون برده بودم که خسته‌شده بود و گریه می‌کرد. داخل مغازه‌ای رفتم تا زودتر خریدم را انجام دهم که فروشنده نزدیک آمد و از من خواست دخترم را بگیرد و او را سرگرم کند تا سر فرصت لباس مناسبی را انتخاب کنم. مخالفت کردم و فروشنده گفت خانم این روال مغازه ماست. باید شرایطی را مهیا کنیم که بی‌حوصلگی بچه‌ها کنترل شود. دیدم یک فرش گوشه‌ای از مغازه انداخته و روی آن کلی اسباب‌بازی ریخته است. پدر و مادرها هم لباس بچه‌شان را حین بازی با اسباب‌بازی پرو می‌کنند. یکی از اتاق‌های پرو مجهز به میز تعویض پوشک شده بود تا هر مادری که نیاز بود همان جا فرزندش را تعویض کند. خیلی کار قشنگی بود و به خاطر شرایط خوب کلی مشتری داشت. با هر خریدی هم یک شکلات یا بیسکوئیت به بچه هدیه می‌شد. انصافاً اجناس خوبی داشت و قیمت‌هایش هم مناسب بود.

دختر نوجوانی که همراه دوستانش به خرید آمده بود، می‌گفت: فروشنده‌ها ما نوجوان‌ها را درک کنند. باید چند لباس را ببینیم و بپوشیم، بعد انتخاب کنیم. باور کنید در همین دو ساعت با دو فروشنده بحث‌مان شد که می‌گفت وقتی قصد خرید ندارید، اذیت نکنید، در حالی که اصلاً اینطور نبود.

بهروز هم می‌گفت: اینکه گلایه می‌کنند چرا قیمت می‌کنید و می‌روید تقصیر خودشان است. وقتی از یک جنس چند قیمت می‌گیری، مجبور هستی بگردی تا ارزان‌ترین فروشنده را پیدا کنی.

خانم میانسالی هم گفت: به این سمنوفروش‌ها بگویید شب عید سمنویی دست مردم بدهند که خورده شود نه اینکه فقط سفره هفت سین را تزئین کنیم. اصلاً معلوم نیست چطوری درست می‌کنند که قابل خوردن نیست!

زن جوان که دستانش پر از اجناس پر بود، گفت: فروش لوازم سفره هفت‌سین هم شده نون سفره خیلی‌ها. کیفیت ندارد ولی قیمتش به اندازه قیمت یک دست لیوان اصل ژاپن است. انصاف داشته باشید. تا خانه نبرده ظروفش می‌شکند.

زن میانسالی در آن بین از قالیشویی‌های شب عید گلایه داشت و گفت: کاش در شست‌وشوی فرش‌ها وجدان داشته باشند. من سه عدد فرش را به یک قالیشویی دادم، بعد از دو هفته که آوردند نمدار بود و چند لک فرش هم پاک نشده بود.

دختر جوانی هم با شکایت از یک فروشنده لوازم آرایشی گفت: سال گذشته برای خرید عطر و تعدادی لوازم آرایش به مغازه‌ای در غرب تهران رفتم. فروشنده بی‌انصاف دو قلم جنس تاریخ گذشته و یک جنس تقلبی داد. عید سال گذشته دید و بازدید و روبوسی‌ام با صورت پر از جوش بود. اجناس را بردم پس بدهم که فروشنده قبول نکرد و تقصیر را گردن خودم انداخت و گفت پوست حساسی دارم و نباید لوازم آرایش استفاده کنم! چطور وجدان‌شان قبول می‌کند شب عید اجناس بی‌کیفیت و تاریخ‌گذشته دست مردم بدهند. این سوءاستفاده نیست؟

فرصتی برای انتشار شادی در تلاقی خرید شب عید و هفته نیکوکاری

قامتی را با مهربانی نونوار کن

حسین گل‌محمدی

۱۴ تا ۲۱ اسفندماه مزین به هفته احسان و نیکوکاری است و تقارن این ایام با اوج‌گیری خریدهای شب عید، درس‌های زیبایی برای ما دارد؛ درس‌هایی که عمل به آنها نوروزمان را که همزمان با ماه ضیافت الهی شده است، زیباتر می‌کند. اینکه درس بگیریم و بیاموزیم که قرار نیست با افراط در خرید، رنگ ساده و بی‌پیرایه نوروز کهن را به اسراف، نمایش و تجمل بیالاییم که اگر چنین کنیم، جز دورشدن دل‌های‌مان از یکدیگر نتیجه‌ای نخواهد داشت. اینکه بیاموزیم حد تعادل را نگه داریم که درس طبیعت نیز رسیدن به حد اعتدال بهاری است، پس ما نیز جان خود را به اعتدال بیاراییم. اینکه یاد بگیریم با پرهیز از چشم و هم‌چشمی و رقابت در ظواهر، ایام تحویل و تحول را به جای زینت بیرون به زینت درون بپردازیم و بالاخره بدانیم و با تمام وجود باور کنیم که اصلاً و اساساً تمامیت نوروز برای ترویج دوستی، ایثار، هدیه‌دادن و مهربانی است و چه مهربانی و محبتی قشنگ‌تر از اینکه از خریدهای شب عید برای خودمان بکاهیم و با نونوارکردن نیازمندانی که می‌شناسیم بر شادی‌های‌مان بیفزاییم و آنان را نیز در لذت نونوارکردن خودمان شریک کنیم، پس بیایید قامت خود و دیگران را با مهربانی نونوار کنیم!

دکتر سیدمحسن میرطالبی، روان‌شناس، کارشناس تعلیم‌وتربیت و مدرس دانشگاه:

نونوارکردن نیازمندان لذت‌بخش‌تر از خرید برای خودمان است

سنت نوشدن و نوپوشیدن در عید و خریدکردن برای نوروز درست، اما چقدر در انجام این سنت حواس‌مان به اطراف‌مان است؟ چه زمانی که به خرید می‌رویم و چه زمانی که در خانه نشسته‌ایم، فرقی نمی‌کند. در همه حال باید از حال همسایه باخبر بود.

ما در کشوری مسلمان زندگی می‌کنیم و در این باره دین اسلام درباره کمک به فقرا و نیازمندان تأکیدات فراوانی کرده است چراکه با کمک به نیازمندان فقر و محرومیت از بین می‌رود و خانواده‌ای شرمنده نخواهد شد. جا دارد این فرهنگ در جامعه نهادینه شود و این احساس وظیفه در ذهن هر انسانی شکل بگیرد.

حالا که در آستانه نوروز قرار داریم، هر فرد از خودش بپرسد کجای این سکوی پرتاب قرار دارد و حاضر است نه از مایحتاج خود بلکه از خریدهای غیرضروری‌اش بگذرد و دست یک یا دو خانواده را بگیرد و سبب خوشحالی آنها شود.

کمک به دیگران یک تکلیف انسانی است. در کتاب آسمانی ما آیه‌های مختلفی در خصوص کمک به دیگران در قالب‌هایی چون انفاق، بخشش، وام قرض‌الحسنه و خدمات علمی، مشورتی، عمرانی مطرح شده است. دوشنبه گذشته روز احسان و نیکوکاری و ترویج فرهنگ قرض‌الحسنه و تقارن آن را با ایام خرید شب عید داشتیم که انگیزه خوبی برای کمک به دیگران است.

در این باره با دکتر سیدمحسن میرطالبی، روان‌شناس، کارشناس تعلیم‌وتربیت و مدرس دانشگاه سوره تهران به گفت‌وگو نشستیم.

■■■

به گفته میرطالبی یکی از مسائلی که در دین ما به آن توجه و تأکید شده است، رفع حوائج برادران مسلمان است که نباید نسبت به آن بی‌تفاوت باشیم. فرقی نمی‌کند مسائل اقتصادی باشد یا فکری و اجتماعی. در هر زمینه‌ای که بتوان مشکلی را برطرف یا انرژی مثبتی ایجاد کرد، نباید بی‌تفاوت بود و شانه خالی کرد.

این مدرس دانشگاه در ادامه می‌گوید: این مسئله در سنت قدیمی‌ها هم بوده است، مثلاً اگر غذایی درست می‌کردند و بوی آن غذا بیرون می‌رفت، بر خودشان وظیفه می‌دانستند یک ظرف غذا را هم به همسایه بدهند. باید به اطراف‌مان نگاه کنیم و این نگاه نه تنها در عید بلکه در همه زمان‌ها لازم است، به خصوص در این شرایط سخت اقتصادی که باید پررنگ‌تر هم باشد. در این روزهای آخر سال باید دقت کنیم خریدهای‌مان به اندازه باشد و اگر وسع مالی بود، نیازمندان را فراموش نکنیم و آنها را به یاد داشته باشیم. دقت کنیم خریدها به اندازه باشد و به قولی نه افراط باشد، نه تفریط تا بتوانیم هم خانواده خودمان را تأمین و هم به نیازمندان کمک کنیم. این رفتار نیاز به تمرین دارد تا در همه موارد انسانی متعادل باشیم.

کمک به نیازمندان یک موضوع انسانی است

دکتر میرطالبی کمک به نیازمندان را یک مسئله انسانی، فراملی و فرامذهبی می‌داند و می‌گوید: اگر دقت کنیم در تمام دنیا، مراکز نیکوکاری و خیریه وجود دارد و به نیازمندان، کودکان کار، بی‌سرپرست و بدسرپرست توجه ویژه‌ای می‌شود. حالا ما که در یک کشور اسلامی و مذهبی زندگی می‌کنیم، با توجه به آیات زیادی که نسبت به این مسئله وجود دارد باید حواس‌مان به دیگران باشد، زیرا یکی از محوری‌ترین مسائل قرآنی توجه به احسان و انفاق در راه خداست.

در کمک به دیگران ریا نکنیم

وی با اشاره به اینکه اسلام می‌گوید اگر می‌خواهی با دست راست کمک کنی، نباید دست چپت بفهمد، می‌افزاید: می‌دانیم کار خیر باید بی‌سروصدا باشد و از همه مهم‌تر آبروی طرف حفظ شود. این به آن معناست که رضایت خدا باید مبنا باشد و شخص نیازمند تا جایی که ممکن است نباید بفهمد آن فرد خیر چه کسی بوده است، ولی بعضی از افراد کار خیرشان را با حرمت‌شکنی و آبروریزی انجام می‌دهند که نه تنها اجر و پاداشی ندارد بلکه مرتکب گناه هم می‌شوند.

انفاق را از کودکی آموزش دهیم

این مدرس دانشگاه با اشاره به آثار روانی و ذهنی کار خیر تأکید دارد کار خیر باید از کودکی تمرین شود. وی در ادامه می‌افزاید: وقتی دست دیگری را می‌گیریم، جدای از پاداش از سوی خدا، اثر روانی بسیاری دارد و روی ذهن و روان آدم تأثیرگذار است. اینکه شخصی دست و دلباز باشد و لقمه دستش را نصف کند و به دیگران بدهد، احساس خوشایندی است و این شیوه تربیتی باید از همان ابتدای کودکی انجام شود، به همین خاطر در آثار تربیتی گفته می‌شود وقتی فرزندتان به مهد یا مدرسه می‌رود، به او یاد دهید اسباب بازی یا لقمه خوراکی‌اش را به دوستانش هم تعارف کند تا خودخواه نشود و انفاق را تمرین کند. این باعث می‌شود او در آینده حواسش به اطرافیانش باشد.

آثار فردی و اجتماعی انفاق و کمک به دیگران

دکتر میرطالبی در بیان آثار فردی و اجتماعی انفاق به دیگران اظهار داشت: در احادیث آمده است کمک به نیازمندان رزق و روزی را افزایش می‌دهد. روایت داریم فردی نزد پیامبر(ص) رفت و گفت: «فقیرم»، پیامبر(ص) فرمودند: «میهمانی بده»، این به آن معناست که خداوند به واسط فضل، بخشش و میهمانی‌دادن، روزی اهل آن خانه را چندین برابر می‌کند. او نباید فکر کند مالش کم می‌شود بلکه به مالش اضافه هم می‌شود. شرایط خمس و زکات هم همینطور است. هیچ وقت از مال افرادی که خمس و زکات‌شان را پرداخت می‌کنند کم نمی‌شود. دیگر آثار کمک به نیازمندان، دوری از بلاها، پاکی و طهارت نفس است. بخشیده‌شدن گناهان به واسط کار خیر نیز از دیگر برکات انفاق است. بخشش و دست‌گیری از نیازمندان، آثار اجتماعی زیادی هم دارد. از جمله این آثار از بین رفتن فقر در جامعه، کم‌شدن فاصله طبقاتی، برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی، پیشرفت و پویایی نظام اقتصادی و امنیت اجتماعی است. اصل خمس و زکات هم بر همین اساس نهاده شده است.

خداوند دوست دارد آثار نعمتش را ببینند

وی با اشاره به روایتی از پیامبر(ص) اظهار می‌دارد: رسول اکرم(ص) می‌فرماید: «اگر خداوند به کسی نعمتی عطا کرد، دوست دارد آثار آن را ببیند.» در این باره مثالی می‌زنم. فرض کنید به حقوق فردی یک‌میلیون تومان اضافه شده است. این اضافه حقوق باید اثرش در خانواده نشان داده شود تا خداوند به خاطر خوشحالی اهل خانه برکتش را زیاد کند. حال اگر جدای از اهل خانه، خانواده نیازمندی را هم دریابیم، برکت دوچندان می‌شود. این تنها یک مثال ساده بود. گاهی خداوند به توانایی‌های ذهنی یا جسمانی افراد نگاه ویژه‌ای می‌کند که لازم است از این استعداد هم برای کمک به نیازمندان استفاده شود. خاطرم هست گروه نمایشی بودند که تصمیم گرفتند از توان فرهنگی خود در بیمارستان‌ها برای شادکردن کودکان بیمار استفاده کنند که این کار انجام شد و بسیار هم تأثیرگذار بود. قطعاً خداوند نظر ویژه‌ای به آنها خواهد کرد و به کارشان برکت زیادی عطا خواهد کرد. در نهایت باید گفت نعمت خداوندی ابتدا در خانه و بعد بیرون خانه باید بروز داده شود تا آثار دوچندان آن دیده شود. بی‌تردید لذت نونوارکردن نیازمندان در آستانه سال نو بیش از خرید برای خودمان است.

در این روزهای آخر سال باید دقت کنیم که خریدهای‌مان به اندازه باشد و اگر وسع مالی بود نیازمندان را فراموش نکنیم و آنها را به یاد داشته باشیم. دقت کنیم خریدها به اندازه باشد و به قولی نه افراط باشد نه تفریط تا بتوانیم هم خانواده خودمان را تأمین و هم به نیازمندان کمک کنیم

عزت‌نفس خود را حفظ کنید

این مدرس دانشگاه با اشاره به اینکه عده‌ای با داشتن شرایط رفاه مالی ولی همیشه گلایه دارند و شکایت می‌کنند، می‌افزاید: جامعه با داشتن چنین افرادی سالم نیست و نباید این قبیل افراد چهره فقیر بگیرند. در قرآن هم تأکید شده است به حداقل‌ها راضی باشید و عزت نفس خود را حفظ کنید، پس چیزی که در اسلام تأکید شده است، پنهانی به دیگران کمک‌کردن برای رضای خدا و از طرفی حریص‌نبودن و قانع‌بودن است. انفاق برای از بین بردن اختلاف طبقاتی است، نباید به گونه‌ای باشد که گداپروری تلقی شود. ضرب‌المثلی است که می‌گوید، نباید ماهی به دست طرف مقابل داد بلکه باید ماهیگیری یاد داد. افراد باید یاد بگیرند همیشه دست‌بگیر نداشته باشند و تلاش کنند خودشان هم به جایی برسند که بتوانند به دیگران کمک کنند. در این صورت جامعه از فقر و فقیربودن نجات پیدا می‌کند.

دکتر پرویز رزاقی، روان‌شناس بالینی، مشاور خانواده و استاد دانشگاه:

فخرفروشی و تجمل‌گرایی چراغ صله‌ارحام را خاموش می‌کند

اسفندماه که می‌رسد بازارها شور و حال دیگری پیدا می‌کنند. به گفته کارشناسان، خرید، زیبایی‌ها و لذات خودش را دارد و باعث نشاط و سلامت روح و روان می‌شود. افراد به خصوص خانم‌ها با خرید حال دل‌شان خوب است. از نظر روان‌شناسی، خرید برای کاهش استرس و تغییر روحی و روانی افراد پیشنهاد می‌شود تا دنیای متفاوت دیگری در ذهن آنها ایجاد شود چراکه با ورود یک جنس جدید و نو فضای روحی و روانی‌شان تغییر می‌کند. نو بودن لوازم خانه اثر روانی دارد. خرید و اضافه شدن جنس جدید به دارایی و وسایل خانه افراد را خوشحال می‌کند و این نوبودن باعث تقویت روحیه و ساختار روانی افراد می‌شود، البته همه این مزایا زمانی برای فرد مهیا می‌شود که خرید بنا به ضرورت و بر اساس بودجه، توانمندی و توانایی هزینه شود. دکتر پرویز رزاقی، روان‌شناس بالینی، مشاور خانواده و استاد دانشگاه نیز معتقد است: ضرورت و توانایی در خرید موضوعی است که باید قبل از اقدام به هر خریدی سنجیده شود و مورد توجه قرار گیرد؛ نکته‌ای که بعضی از خانواده‌ها به آن توجه نمی‌کنند، به همین دلیل ولع در خرید پیش می‌آید.

■■■

دکتر رزاقی می‌گوید: ولع در خرید یعنی فرد از تعدد در خرید سیر نمی‌شود. معمولاً این قبیل افراد از خریدشان لذت نمی‌برند یا از آن خرید استفاده‌ای نمی‌کنند. گاهی ولع خرید، به خاطر خریدهای مقرون‌به‌صرفه هم پیش می‌آید، در حالی که ضروری نیستند و حال خوبی هم به خریدار نمی‌دهند. این شرایط در حراجی‌های قبل از ایام عید و مناسبت‌های دیگر زیاد پیش می‌آید. در چنین مواردی، فرد به خاطر ارزانی، احساس توانمندی می‌کند و آن خرید را انجام می‌دهد، به این خیال که آن جنس ممکن است سال دیگر گران‌تر شود، حالا یا آن جنس را لازم دارد یا ندارد! فقط به خیال برد است که انجام می‌شود.

این روان‌شناس درباره علت‌های ولع در خرید نیز اظهار می‌دارد: این رفتار گاهی ناشی از چشم و هم‌چشمی زیاد در زندگی، عقده‌های روانی و خودبرتربینی پیش می‌آید، گاهی هم از روی انتقام است، مثلاً رابطه بین زوجین خوب نیست و از این طریق می‌خواهند همدیگر را اذیت کنند. در بعضی روابط هم وقتی زوجی متوجه شود همسرش هزینه‌های زیادی را برای فرد یا افراد دیگری خرج می‌کند، مثلاً برای خواهر یا دوست، حس تلافی به او دست می‌دهد و ولع خرید در او ایجاد می‌شود. مجموعه این عوامل است که فرد را دچار ولع در خرید می‌کند.

این استاد دانشگاه درباره وسواس در خرید هم می‌گوید: وسواس با ولع تفاوت دارد. وسواس گاهی ارثی است یا به جهت مشکل روانی در فرد به وجود می‌آید. این دسته از اشخاص با تکرار خرید احساس رضایتمندی می‌کنند و ساختار روانی‌شان مدام به آنها می‌گوید خرید کنند. وسواس‌های خرید در محتوای خرید هم تأثیرگذار است، یعنی فرد آنقدر در امر خرید دقت به خرج می‌دهد و حساس می‌شود که اصلاً آن خرید را انجام نمی‌دهد.

خریدها با مشارکت و نظرسنجی همسر باشد

وی با این اعتقاد که اگر کسی بخواهد احساس روانی خودش را در مؤلفه خرید جا کند، باید تعداد خریدهایش را کم کند، اظهار می‌دارد: فرد باید رضایتمندی ذهنی و شخصیتی خود را در مسیری قرار دهد که با دو یا سه خرید واجب به رضایتمندی برسد. در واقع آن خرید را در ذهن کوک و مدیریت کند تا به احساس رضایتمندی منجر شود. از نگاه دیگر شخص باید طبق بودجه خرید و حتماً با همسرش درباره آن مشورت کند، فرقی نمی‌کند آن خرید پوشاک باشد یا لوازم خانه، در هر صورت باید با مشارکت و نظرسنجی از همسر باشد تا بودجه آن در نظر گرفته شود. در این صورت خرید با هدف انجام می‌شود و اگر خرید دیگری پیش آمد، آن خرید نیز با همراهی و نظر طرف مقابل و در حد توان مالی باشد. چه بسا خانواده‌هایی هستند که در شب عید به دلیل پرداخت‌های مختلف از جمله عیدی و پاداش بدون هدف و برنامه خریدهای مختلف و غیرضروری می‌کنند و بعد از تعطیلات یا با کلی قسط مواجه می‌شوند یا باید قرض کنند تا امورات واجب زندگی خود را تا پایان ماه رفع و رجوع کنند. در چنین شرایطی است که بعضی زوجین به اختلاف برمی‌خورند، چون یکی از زوجین می‌خواهد از زیر بار خریدهای غیرضروری و پرهزینه شانه خالی کند، به همین دلیل بهانه‌های مختلفی از جمله ترافیک، خستگی و شلوغی خیابان‌ها می‌آورد و همین باعث اختلاف و بحث می‌شود. حال اگر با ملاحظه و مشورت باشد، از بروز چنین چالش‌هایی جلوگیری می‌شود.

چشم و هم‌چشمی به صله رحم آسیب می‌زند

این مشاور خانواده و استاد دانشگاه به فخرفروشی به عنوان یکی از دلایل ولع در خرید اشاره می‌کند و می‌گوید: عده‌ای به دلیل ضعف شخصیتی، دوست دارند فخرفروشی کنند و حس خودبرتربینی دارند. آنها اهل چشم و هم‌چشمی هستند و از نظر روانی مشکلاتی دارند که ذهن‌شان را درگیر کرده است. فخرفروشی دلیلی بر برتری نیست بلکه دلیل بر ضعف شخصیتی چنین افرادی است. آنها تلاش می‌کنند با خرید کالاهای لوکس خودی نشان دهند، در حالی که این رفتار نشان از کمبودها و احساس حقارت است که در نظام روانی و شخصیتی این افراد وجود دارد. این افراد لذتی از خرید نمی‌برند چراکه هدف از خریدشان کم‌کردن روی دیگران و انگشت‌به‌دهان‌کردن آنان است نه رضایت و برآوردن نیازهای خود.

وی درباره اثرات فخرفروشی و تجمل‌گرایی در کمرنگ‌شدن ارتباطات با اقوام اظهار می‌دارد: اتفاق بد دیگری که در زندگی این افراد می‌افتد، قطع روابط خانوادگی است. دیگران با آنها ارتباط نمی‌گیرند و دیدوبازدیدهای‌شان به حداقل می‌رسد، به همین خاطر افراد از یکدیگر دور می‌شوند و اگر دیدوبازدیدی انجام شود، کلیشه‌ای است و لذتی از دورهمی نمی‌برند. در واقع چشم و هم‌چشمی، فخرفروشی و تجمل‌گرایی به مرور چراغ صله ارحام را کم‌سو و حتی خاموش می‌کند.

چه بسا خانواده‌هایی هستند که در شب عید به دلیل پرداخت‌های مختلف از جمله عیدی و پاداش بدون هدف و برنامه خریدهای مختلف و غیرضروری می‌کنند و بعد از تعطیلات یا با کلی قسط مواجه می‌شوند یا باید قرض کنند تا امورات واجب زندگی خود را تا پایان ماه رفع و رجوع کنند. در چنین شرایطی است که بعضی زوجین به اختلاف برمی‌خورند

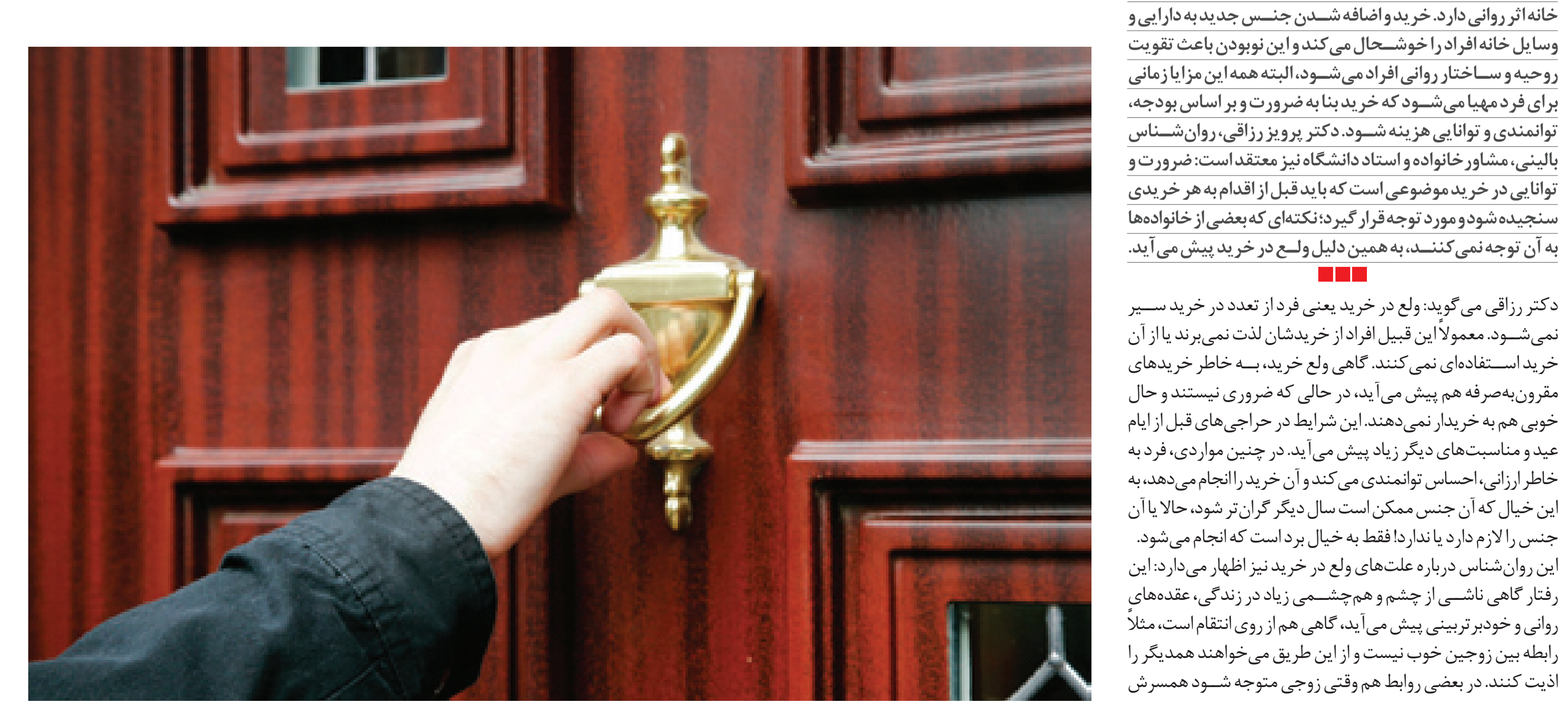

روایت چند نمونه از اعتیاد به خرید

فاصله‌تان را با معتادان خرید حفظ کنید!

کمد لباس‌هایش را که باز می‌کنی انبار پوشاک است؛ از تابستانی گرفته تا زمستانی، همه رنگ و همه جنس. فقط کمد لباس نیست، کابینت آشپزخانه هم جای سوزن انداختن نیست. از ظرف و ظروف گرفته تا خوراکی و خشکبار از هر کدام یک جعبه شش‌تایی یا ۱۲ تایی، دوجین آدامس و دوجین آبنبات. شب عید است و بازار خرید داغ است، مخصوصاً برای آنهایی که معتاد به خرید هستند. خرید غیرضروری نه تنها اعتیادآور بلکه در نوع تعامل و رفت‌وآمد افراد اثرگذار است.

با کسانی که با آنها رفت‌وآمد دارید، اگر اهل خرید و بریزوبپاش و اسراف باشند، راحت نیستید و احساس می‌کنید فاصله‌تان روزبه‌روز بیشتر می‌شود، زیرا نمی‌توانید مثل آنها باشید. به نمونه‌های زیر دقت کنید.

۱) فرشته هر دو هفته یک بار بازار می‌رود، آن هم بازار اصلی شهر، چون از آنجا می‌شود جینی و عمده خرید کرد. جالب است بدانید او تنها یک فرزند پنج ساله دارد. کاش از این همه اجناس استفاده می‌شد، ولی اینطور هم نیست. هفته‌ای دو بار او را می‌بینم، اما ندیده‌ام بعضی از لباس‌هایی که در کمدش هست را حتی یک بار هم بپوشد. روزی که میهمانش بودم دیدم در کابینتش را باز کرد تا برایم نسکافه درست کند. متوجه شد تاریخ مصرف آن نسکافه تمام شده و باید آن را دور بریزد. گفتم چرا اینقدر زیاد خرید می‌کنی که تاریخ مصرف‌شان تمام می‌شود؟ گفت: دست خودم نیست. دستم به خرید کم نمی‌رود! در ضمن حالم با خرید خوب می‌شود! خدا را شکر که او وضع مالی خوبی دارد، اما این اسراف‌کاری‌هایش باعث شده است برخی فامیل و دوست و آشنا از او فاصله بگیرند.

۲) زیبا مادر سه فرزند و در خرید لباس فرزندانش حریص است. بارها با شوهرش به خاطر افراط در خرید بحث کرده است، اما فایده‌ای ندارد. او معتقد است اگر فرزندانش لباس‌های رنگارنگ و مختلف نپوشند، عقده‌ای می‌شوند و ممکن است چشم‌شان به دست دیگران باشد! برایش هم فرقی نمی‌کند؛ یا حضوری به بازار می‌رود یا همین که بیکار می‌شود، گوشی تلفن همراهش را برمی‌دارد و از کانال‌هایی که در آنها عضو است سفارش چند دست لباس می‌دهد؛ عید باشد یا غیرعید، وقت مدرسه باشد یا غیرمدرسه. می‌گوید لباس بچه‌ها یک بار که شسته می‌شود، از رنگ و لعاب می‌افتد و دوست دارم لباس نوی دیگری تن‌شان کنم! خلاصه به جای تربیت بچه‌ها بیشتر وقتش به خرید است و خرید.

۳) شوهر سپیده تاجر است. وضع مالی خوبی دارد، آنقدر که خرید انواع پوشاک و خوراکی آن هم خرید شکلات‌های خارجی را از حد گذرانده است. لوازم خانه از جمله مبلمان و دکوری‌های خیلی شیک خانه‌اش را معمولاً هر دو سال یک بار عوض می‌کند. علت این همه تغییر و خرید را پرسیدم که گفت نگران است شوهر پولدارش، پول‌هایش را جای دیگری خرج کند! بعد گفت با دوستانم رقابت دارم و نمی‌توانم وسایلی را در خانه‌شان ببینم که خودم نداشته باشم. دوست دارم وقتی به خانه‌ام می‌آیند، انگشت به دهان ببینم‌شان. پرسیدم با چه کسانی رفت‌وآمد بیشتری دارید، گفت: با دوستانم. چند سالی است با خانواده و اقوام‌مان قطع رابطه کرده‌ایم و رفت‌وآمدی نداریم.

حرفش را قبول کردم چون خانواده‌اش را می‌شناسم. هیچ کدام وضع مالی و زندگی‌شان به اندازه شوهر سپیده خوب نیست. معلوم است رفت‌وآمد به خانه آنها با این همه رنگ و لعاب، وسایل و اثاثیه گران‌قیمت سخت است. با این طرز تفکر و این حجم از تجملات معلوم است که میهمان نمی‌تواند راحت باشد. انگار حرف یکدیگر را نمی‌فهمند.

حجت‌الاسلام محمد سعیدی آریا، کارشناس مذهبی و استاد دانشگاه:

وقتی آبروی شخص مطرح است نیکوکاری باید غیرعلنی باشد

نیره ساری

یک کارشناس مذهبی و استاد دانشگاه معتقد است: در روزهای آخر سال در رسانه‌های جمعی و تلویزیون نیکوکاری را تبلیغ می‌کنند که هدف آن ترویج احسان و نیکوکاری است. در واقع این شکل از احسان مانند نماز جماعت است که باید در حضور جمع و با جماعت خوانده شود، پس یک بعد نیکوکاری باید علنی باشد، اما شیوه نیکوکاری هم سری است، هم علنی. جایی که آبروی شخصی در خطر باشد، باید پنهان بماند و نباید مسئله علنی باشد.

■■■

حجت‌الاسلام محمد سعیدی آریا، کارشناس مذهبی و استاد دانشگاه در گفت‌وگو با «جوان» با اشاره به آیه شریفه قرآن با این مضمون که به خیر و نیکی نمی‌رسید تا زمانی که آنچه را که دوست دارید، انفاق کنید، در رابطه با توصیه دین اسلام به نیکوکاری گفت: هر چیزی آداب خود را دارد و حتی آداب مؤدب‌بودن را باید بلد باشیم، تمام ارزش‌های اخلاقی آدابی دارند و در بحث بخشش و نیکوکاری هم باید آداب آن را بلد بود.

وی افزود: اول اینکه چگونه ببخشیم و حواس‌مان باشد آبروی طرف مقابل حفظ شود و در عین حال باید برخی از بخشش‌های ما علنی باشد و شیوه امربه‌معروف در آن لحاظ شود.

این کارشناس مذهبی ادامه داد: در مورد بحث بخشیدن، مقدار بخشیدن هم حائز اهمیت است، تعادل در مقدار بخشیدن مهم است. اینکه طوری نباشیم که به زندگی بقیه صدمه بخورد و غیرعقلانی باشد. قرآن توصیه کرده است، طوری نبخش که خودت درمانده بشوی و به مشکل بخوری.

سعیدی آریا تصریح کرد: با این اوصاف تعادل در بخشیدن رکن بعدی نیکوکاری است. رکن سوم بحث نیت و عرف است و اینکه باور داشته باشیم این بخشش برای خداست، در واقع همه اعمال و رفتار ما باید نیت خدایی داشته باشد، وگرنه برای غیر خدا به فرموده قرآن می‌شود همان ریا و هیچ نمی‌ارزد.

وی تأکید کرد: نهایتاً مراقب باشیم بخشیدن ما به دیگران اثر تخریبی نداشته باشد، برای مثال اگر همیشه دست فرزندمان را بگیریم و او را راه ببریم، هیچ موقع راه رفتن را یاد نمی‌گیرد. گاهی به غیر موقعیت‌های مناسب، کمک‌هایی به دیگران می‌کنیم که او را از پویایی بازمی‌دارد و جاهایی افراد باید متوجه اشتباهات خود بشوند و همیشه کمک‌کردن به معنای کار درست انجام‌دادن نیست.

سعیدی آریا در خصوص ولع خریدکردن بین مردم که این روزها افزایش یافته است، گفت: در خیلی موارد کالاهایی که گمان می‌کنیم برای‌مان رفاه می‌آورد، اتفاقاً زحمت بیشتری به همراه دارد چراکه برای خریداری آنها باید تلاش بیشتری کنیم و بازار مصرف به ما طوری القا می‌کند که اگر فلان کالا را نداشته باشی، از زندگی عقب می‌مانی، در حالی که مدیریت، عقل اقتصادی و حسن معاش از صفات مؤمن و درست استفاده‌کردن یک هنر است.

هر چیزی آداب خود را دارد و در بحث بخشش و نیکوکاری هم باید آداب آن را بلد بود. اول اینکه چگونه ببخشیم و حواس‌مان باشد آبروی طرف مقابل حفظ شود و در عین حال باید برخی از بخشش‌های ما علنی باشد و شیوه امربه‌معروف در آن لحاظ شود

وی خاطرنشان کرد: نباید در خدمت ابزار زندگی باشیم بلکه ابزار زندگی باید در خدمت ما باشد، در غیر این صورت جان و عمر انسان قربانی می‌شود، اما لحظه‌ای که گرهی از مشکل کسی باز می‌کنیم، لذت آن لحظه در دنیا و آخرت را با هیچ چیزی نمی‌توان عوض کرد.

این استاد دانشگاه گفت: باورمان بشود هر آنچه برای خودمان می‌پسندیم، برای دیگران هم بپسندیم. خرج زندگی را از بَرج تشخیص دهیم و آن جاهایی که بَرج زندگی است، آن را انفاق کنیم، لازم هم نیست کلان فکر کنیم بلکه به اندازه اطرافیان هم بتوانیم کمک کنیم، ارزشمند است. اولویت در بخشیدن و کمک‌رسانی به نزدیکان است چراکه از آنها خبر داریم و می‌توانیم راحت‌تر به آنها کمک کنیم. فرهنگ بخشیدن به دیگران را جایگزین اسراف کنیم، البته حواس‌مان باشد عزت طرف مقابل حفظ شود و همواره به خاطر داشته باشیم خدا با بنده‌هایش همان گونه رفتار می‌کند که بنده‌ها با همدیگر رفتار می‌کنند، پس رحم کن تا رحم ببینی.